



موسسه آموزش و مشاوره مدیریت بال اندیشه پاهان

عنوان دوره آموزشی

انسان شناسی

تهیه و تنظیم:

جناب دكتور آقا شريفیان

آدرس: اصفهان. خیابان شریعتی. بعد از اورژانس. کوچه شهید حسینی. پلاک ۲۶

فاکس: ۶۲۷۸۷۹۴

تلفن: ۰۳۱۱ - ۶۲۹۴۱۴۸ - ۹

WWW.BaleAndisheh.com

Email: BaleAndisheh@hotmail.com

درس گفتارهایی در انسان شناسی

تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین آقاشریفیان

هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان

تعریف انسان شناسی

هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان یا بعد یا ابعادی از وجود او، یا گروه و قشر خاصی از انسان ها می پردازد می توان انسان شناسی نامید.

انسان شناسی و انواع مختلف و متنوعی دارد که به لحاظ روش یا نوع نگرش از یکدیگر متمایز می شوند.

انواع انسان شناسی

- ۱- این مقوله را می توان بر اساس روش به انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی تقسیم نمود.
- ۲- با توجه به نوع نگرش به انسان شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر تقسیم کرد.

اندیشمندان برای حل معماها و پرسش های مطرح شده درباره انسان در طول تاریخ بشر راههای مختلفی را در پیش گرفته اند. و انسان شناسی در مکاتب نتیجه بررسی های آنان می باشد. برخی به بررسی مسأله با روش تجربی پرداخته و انسان شناسی تجربی را بنیان نهاده اند که دربرگیرنده همه رشته های علوم انسانی است. گروهی راه درست شناخت انسان را سیر وسلوک عرفانی و دریافت شهودی دانسته و با تلاش هایی که از طریق انجام داده اند به نوعی شناخت از انسان که می توان آن را انسان شناسی عرفانی نامید دست یافته اند. جمعی دیگر از راه تعقل و اندیشه فلسفی به بررسی زوایای وجود انسان دست یازیده و او را از این منظر مورد تحقیق قرار داده و نتیجه تلاش فکری خود را انسان شناسی فلسفی نامیده اند. سرانجام گروهی با استمداد از متون دینی و روش نقلی درصدد شناخت انسان برآمده و انسان شناسی دینی را پایه گذاری کرده اند.

انسان شناسی دینی

منشأ انسان، تحول او، هدف از آفرینش، عهد و مسؤولیت او، ریشه در اندیشه های انسان شناختی دارد که از بدو خلقت انسان و در ادیان مختلف مورد بحث است. انسان که میان دو بی نهایت است، از یک سو آن چنان می تواند پرواز کند که از ملک برتر شود و پا به عرش گذارد؛ و از سوی دیگر آن چنان سقوط نماید که حتی شایسته نام حیوان نباشد.

طیران مرغ دیدی تو زپای بند شهوت/ بدرآی تا ببینی طیران آدمیت

قیمت حرکات می دانی که چیست
قیمت خودراندانی احمقیت
سعدا و نغمه دانسته ای
نگری سعدی تو یاماشته ای
جان حله علمها نیست این
که بدانی من کیم در پوم دین
آن اصول دین بدانستی و لیک
بگراندر اصل خود گریه است نیک
از اصولینت اصول خویش به
که بدانی اصل خودای مردمه
مولوی

انسان کیست؟ چیست؟ جایگاه او در نظام خلقت کجاست؟ مقصد و منتهایش چیست؟ فلسفه ی آفرینش او چه می باشد؟ کمال او در چیست؟ ... و هزاران سؤال دیگر که آدمیان را به خود مشغول می دارد. آنان که در پی رسیدن به ره منزل سعادت می باشند و بودن را تصادفی و بدون معنا نمی دانند، همواره در پی دریافت پاسخ به سر می برند. شناخت انسان؛ یعنی شناخت استعدادها و توانایی های او، شناخت غایت و کمال او و شناخت راه سعادت او .

انسان در لغت، از ماده اُنْس به معنای قرب و ظهور است و انسان را انسان نامیده اند؛ زیرا قوام و دوامی برای او نیست؛ مگر در انس و نزدیکی بعضی با بعض دیگر.

این واژه ۶۵ بار در قرآن مجید به کار رفته است، که مراد از آن جسد و صورت ظاهری نمی باشد، آن چنانکه در بشر مراد است، بلکه باطن و نهاد و استعداد و انسانیت و عواطف او در نظر است.

ویژگی های انسان شناسی دینی

انسان شناسی دینی در مقایسه با دیگر انواع خود امتیازهای ذیل را دارا است:

الف. جامعیت؛

انسان شناسی دینی، از دستاورد وحیانی که محدود به قلمرو خاصی نیست، سود می جوید و ابعاد مختلف انسان را اعم از جسمانی و زیستی، تاریخی، فرهنگی، دنیوی و اخروی، فعلی و آرمانی و مادی و معنوی بررسی می نماید؛ و حال آن که انواع دیگر انسان شناسی (فلسفی، تجربی، عرفانی، فرهنگی و...) زمینه ای خاص را مورد نظر دارد.

ب. اتقان و خطانپذیری؛

انسان شناسی دینی که از معارف وحیانی و متصل به علم لایزال الهی سرچشمه گرفته و از هرگونه تحریف در امان مانده باشد، اتقان و استحکام دارد و هیچ گونه خطایی در آن راه نمی یابد، ولی دیگر انواع انسان شناسی که از داده های تجربه، تعقل، یا سیر و سلوک به دست می آید، خطاپذیر است .

ج. توجه به مبدأ و معاد؛

در انسان شناسی غیر دینی، انسان را بریده از مبدأ و معاد مورد بررسی قرار می دهند، مانند: انسان شناسی تجربی و برخی نحله های انسان شناسی فلسفی و عرفانی. و چنانچه از مبدأ و معاد سخن به میان آید، راهگشای چگونه زیستن و چگونه پیمودن راه کمال نیست. در انسان شناسی دینی، مبدأ و معاد به عنوان دو بخش اساسی از مراحل زندگی انسان مورد توجه قرار می گیرد .

د. بینش ساختاری و رابطه ی ساحت های مختلف در وجود انسان؛

در انسان شناسی دینی، رابطه ی ساحت های جسم و جان مادی و معنوی، بینش و گرایش و تأثیر و تأثر هر یک بر دیگری مورد توجه قرار می گیرد، ولی در انسان شناسی عرفانی، تجربی، فلسفی ... این ساحت ها مورد غفلت قرار می گیرد، یا به گستردگی انسان شناسی دینی مورد توجه قرار نمی گیرد. اگرچه انسان شناسی دینی با توجه به ویژگی های مذکور، از امتیازات خاصی برخوردار است، لکن شناسایی موجودی پیچیده، همانند انسان را نمی توان منحصر در یک یا دو روش نمود، بلکه در شناخت انسان به روش ها و ابزار مختلف نیاز است.

و خداوند متعال نیز می فرماید: (وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ)؛ و در خود شما؛ پس مگر نمی بینید؟ بدون شک انسان اعجوبه عالم هستی است. پیامبر گرامی اسلام^{۹۶} فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خویش را بشناسد، خدایش را شناخته است.

آری خودشناسی در تمام مراحل، راه خداشناسی است. مقصود از شناخت نفس نیز فقط شناخت هیکل جسمانی و قوای طبیعی و اصل و نسب نیست، بلکه کسی که مخلوقیت و مربوبیت خود را شناخت و خود را آیت وجود حق تعالی و مظهر صفات الهی دانست، به قدر دلالت وجود خویش و معلوماتش، خدای خود را نیز خواهد شناخت.

انسان در اسلام

حقیقت انسان چیست ؟

دیدگاه اول دیدگاه مادیون است. یعنی کسانی که هستی را با ماده برابر می‌دانند و انسان را صرفاً پدیده مادی می‌پندارند. طبعاً این گروه معتقدند که حقیقت انسان با قوانین مادی و مبتنی بر حس و تجربه است. این افراد انسان را با مُردن فانی می‌پندارند.

عده‌ای دیگر معتقدند: انسان علاوه بر بُعد مادی، بُعد غیرمادی هم دارد. به نام روح. ادیان الهی به ویژه دین اسلام، دیدگاه دوم را تأیید می‌کنند. این‌ها معتقدند علاوه بر ابزار حسی و تجربی، ابزار غیرتجربی و غیرحسی هم وجود دارد و انسان با مُردن از بین نمی‌رود

انسان در جهان بینی اسلامی داستانی شگفت دارد . انسان اسلام تنها یک حیوان مستقیم القامه که ناخن پهن دارد و با دو پا راه می‌رود و سخن می‌گوید نیست و انسان و حیوان یکی نیستند قرآن انسان را مدحها و ستایشها کرده و هم مذمتها و نکوهشها نموده است .

عالی ترین مدحها و بزرگترین مذمتهای قرآن درباره انسان است ، او را از آسمان و زمین و از فرشته برتر و در همان حال از دیو و چهار پایان پست تر شمرده است . از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد ، و هم می‌تواند به " اسفل سافلین " سقوط کند . این خود انسان است که باید در باره ی خود تصمیم بگیرد و سرنوشت نهایی خویش را تعیین نماید .

سخن خویش را از ستایشهای انسان در قرآن تحت عنوان " ارزشهای انسان " آغاز می‌کنیم .

ارزشهای انسان

انسان خلیفه خدا در زمین است

روزی که خواست او را بیافریند ، اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد . آنها گفتند : آیا موجودی می‌آفرینی که در زمین تباهی خواهد کرد و خون خواهد ریخت ؟. (او گفت : من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید " بقره / ۳۰

" اوست که شما انسانها را جانشینهای خود در زمین قرار داده تا شما را در مورد . سرمایه هایی که داده است در معرض آزمایش قرار دهد " انعام / ۱۶۵

ظرفیت علمی انسان بزرگترین ظرفیتهایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد

" تمام اسماء را به آدم آموخت (او را به همه حقایق آشنا ساخت) . آنگاه از فرشتگان (موجودات ملکوتی) پرسید : نامهای اینها را بگویید چیست . گفتند : ما جز آنچه تو مستقیماً به ما آموخته ای نمی‌دانیم (آنچه را تو مستقیماً به ما نیاموخته باشی ما از راه کسب نتوانیم آموخت) . خدا به آدم گفت : ای آدم ! تو به اینها بیاموز و اینها را آگاهی ده . همین که آدم فرشتگان را آموزاند و آگاهی داد ، خدا به فرشتگان گفت : نگفتم که من از نهانهای آسمانها و زمین آگاهم (می‌دانم چیزی را که حتماً نمی‌دانید) و هم می‌دانم آنچه را شما اظهار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید ؟ " بقره / ۳۱-۳۳

او فطرتی خدا آشنا دارد

به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد .

" هنوز که فرزندان آدم در پشت پدران خویش بوده (و هستند و خواهند بود) خداوند (با زبان آفرینش) آنها را بر وجود خودش گواه گرفت و آنها گواهی دادند " اعراف / ۱۷۲

" چهره و خود را به سوی دین نگه دار ، همان که سرشت خدایی است و همه مردم را بر آن سرشته است . " روم / ۴۳

در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد ، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد .

انسان دو قطبی است

انسان ترکیبی است از طبیعت و ماورای طبیعت ، ماده و معنی ، جسم و جان . به عبارت دیگرروح بعد غیر مادی انسان است

"آن که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس نسل او را از شیر و کشیده ای که آبی پست است قرارداد، آنگاه او را بیاراست و از روح خویش ۹ - در او دمید" (سجده ۷)

آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است،

آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است تصادفی نیست. انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است " خداوند آدم را برگزید و توبه اش را پذیرفت و او را هدایت کرد " (طه / ۱۲۱) او شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانتدار خداست، رسالت و مسئولیت دارد، از او خواسته شده است با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند

آزادی و اختیار انسان لازمه مسئولیت اوست

"همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوه ها عرضه کردیم، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن ترسیدند، اما انسان بار امانت را به دوش کشید و آن را پذیرفت. همانا او ستمگر و نادان بود" (احزاب / ۷۲)

"ما انسان را از نطفه ای مرکب و ممزوج آفریدیم تا او را مورد آزمایش قرار دهیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. همانا راه را به او نمودیم، او خود یا سپاسگزار است و یا کافر نعمت. یا راه راست را که نمودیم خواهد رفت و به سعادت خواهد رسید و یا کفران نعمت کرده، منحرف می گردد." (دهر / ۳)

او از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است،

خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. "همانا ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر صحرا و دریا (خشک و تر) مسلط کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم (اسراء / ۷۰) او از وجدانی اخلاقی برخوردار است، به حکم الهامی فطری زشت و زیبا را درک می کند

"سوگند به نفس انسان و اعتدال آن، که ناپاکیها و پاکیها را به او الهام کرد (شمس / ۸ و ۹)

او جز با یاد خدا با چیز دیگر آرام نمی گیرد.

خواستهای او بی نهایت است، به هر چه برسد از آن سیر و دلزده می شود مگر آنکه به ذات بی حد و نهایت خدا بپیوندد "همانانتها بایاد او دلها آرام می گیرد" (رعد / ۲۸)

"ای انسان! توبه سوی پرورد گار خویش بسیار کوشنده هستی و عاقبت او را دیدار. (خواهی کرد) (انشقاق / ۶)

نعمتهای زمین برای انسان آفریده شده است.

رابطه انسان و دنیا در اسلام به درستی تعریف شده است. "همانا اوست که آنچه در زمین است برای شما آفرید" (جاثیه / ۱۳) "آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مسخر او قرار داده است (پس او حق بهره گیری مشروع همه اینها را دارد" او را برای این آفرید که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او را بپذیرد پس او وظیفه اش اطاعت امر خداست "همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند" (ذاریات / ۵۶)

او جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی یابد

او جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی یابد، و اگر خدای خویش را فراموش کند خود را فراموش می کند و نمی داند که کیست و برای چیست و چه باید کند و کجا باید برود

"همانا از آنان مباشید که خدا را فراموش کردند و خداوند خودشان را از یاد خودشان برد" (حشر / ۱۸)

او همینکه از این جهان برود و پرده ء تن که حجاب چهره ء جان است دور افکنده شود، بسی حقایق پوشیده که امروز بر او نهان است بروی آشکار گردد "همانا پرده را کنار زدیم، اکنون دیده ات تیز است" (ق / ۲۲)

او تنها برای مسائل مادی کار نمی کند، یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست او احیانا برای هدفها و آرمانهایی بس علی می جنبد و می جوشد. او ممکن است که از حرکت و تلاش خود جز رضای آفریننده، مطلوبی دیگر نداشته باشد مجموعا موجب حرکت انسانها می شوند.

مجموعه ای از نیازهای مادی و معنوی

"ای نفس آرامش یافته! همانا به سوی پرورد گارت باز گرد با خشنودی متقابل: تو از "او و او از تو خشنود" فجر / ۲۸ خداوند به مردان و زنان با ایمان باغها وعده کرده است که در آنها نهرها جاری است، جاویدان در آنجا خواهند بود و هم مسکنهای پاکیزه، اما خشنودی خدا از آن است رستگاری بزرگ" همهء اینها برتر و بالاتر است. توبه / ۷۲

بنابر آنچه گفته شد از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسؤول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، و جودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد، ظرفیت علمی و عملی اش نامحدود است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احیاناً انگیزه هایش هیچ گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش و وظیفه دار است.

ضد ارزشها

درعین حال، همین موجود در قرآن مورد بزرگترین نکوهشها و ملامتها قرار گرفته است

"او بسیار ستمگر و بسیار نادان است" احزاب / ۷۲

"او نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است" حج / ۶۶

"او آنگاه که خود را مستغنی می بیند طغیان می کند" علق / ۷

"او عجول و شتابگر است" اسراء / ۱۱

"میخواند او هرگاه به سختی بیفتد و خود را گرفتار ببیند، ما را در هر حال همینکه گرفتاری را از او بر طرف کنیم گویی چنین حادثه ای پیش نیامده است" یونس / ۱۲

انسان زشت است یا زیبا؟

آیا انسان از نظر قرآن یک موجود زشت و زیباست، آن هم زشت زشت و زیبایی زیبا؟ آیا انسان یک موجود دو سرشتی است: نیمی از سرشتش نور است و نیمی ظلمت؟ چگونه است که قرآن، هم او را متها درجه مدح می کند و هم متها درجه مذمت؟!

شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد "ایمان" است. از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا بر می خیزد. به وسیله ایمان است که علم از صورت یک ابزار ناروا در دست نفس اماره خارج می شود و به صورت یک ابزار مفید در می آید. علم و ایمان دو ابزاری است که لازم و ملزوم یکدیگرند.

پس انسان حقیقی که خلیفه الله است، مسجود ملائکه است، همه چیز برای اوست و بالاخره دارندهء همهء کمالات انسانی است، انسان بعلاوهء ایمان است، نه انسان منهای ایمان. انسان منهای ایمان، کاستی گرفته و ناقص است. چنین انسانی حریص است، خونریز است، بخیل و ممسک است، کافر است، از حیوان پست تر است.

سخن آخرین

انسان موجودی چند بعدی و پیچیده است که شناسایی دقیق او بررسی همه جانبه نیاز دارد. - روش دینی، با توجه به تعالیم و حیانی و الهی به آدمی می نگرد و به دلیل اتصال به علم لایزال الهی از جامعیت کامل برخوردار است و منحصر در قلمرو خاص نمی باشد و از اتقان و استحکام کافی برخوردار است و خطا در آن راه ندارد، و در بینش ساختاری آن رابطه ی تمام ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار دارد

بنابراین پرداختن به انسان شناسی دینی و مبتنی بر قرآن کریم، اساسی ترین وظیفه هر انسان مسلمان، آگاه و هوشمند است؛ که شناختی کامل و واقعی از خویشتن بیابد چرا که رسالت انسانی انسان زمانی آغاز می شود که شناخت کامل گردد.

۱- یک گناه سرنوشت را تغییر می‌دهد؟

به گزارش خبرنگار برنا، حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در پاسخ به این سوال که آیا یک گناه، سرنوشت کسی را دگرگون می‌کند پاسخ داده است: گاهی یک ویروس وارد بدن می‌شود و تمام بدن را فلج می‌کند. گاهی یک جرعه زده می‌شود و منطقه‌ای به آتش کشیده می‌شود. گاهی یک حسادت سبب توطئه و قتل یوسف می‌شود. گاهی لقمه حرام یا طمع رسیدن به حکومت، انسان را تا کشتن امام حسین (ع) پیش می‌برد. معمولاً هر گناهی، زمینه ساز گناه بزرگ تری است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون» کسی که به سراغ خلافی رود و آثار شوم آن خلاف او را احاطه کند، برای همیشه در دوزخ خواهد بود. اگر پرده حیا پاره شود، گناه برای انسان راحت می‌شود. به همین دلیل در دعای کمیل می‌خوانیم «اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتک العصم» یعنی خداوند! آن گناهانی که پرده عصمت و پاکی را هتک و پاره می‌کند، بر من ببخش.

۲- تست شخصیت شناسی

یک کاغذ و قلم هم کنار دستتان باشد و جوابی را که انتخاب می‌کنید یادداشت کنید که بتوانید امتیازهایی که گرفته اید جمع بزنید.

(۱) چه موقع از روز بهترین و آرام ترین احساس را دارید؟ الف. صبح، ب. عصر و غروب، ج. شب

(۲) معمولاً چگونه راه می‌روید؟

الف. نسبتاً سریع، با قدم های بلند، ب. نسبتاً سریع، با قدمهای کوتاه ولی تند و پشت سر هم،

ج. آهسته تر، با سری صاف و روبرو، د. آهسته و سربه زیر ه. خیلی آهسته

(۳) وقتی با دیگران صحبت می‌کنید؟

الف. می ایستید و دست به سینه حرف می‌زنید، ب. دستها را در هم قلاب می‌کنید، ج. یک یا هر دو دست را در پهلو می‌گذارید د. دست به شخصی که با او صحبت می‌کنید، می‌زنید، ه. با گوش خود بازی می‌کنید، به چانه تان دست می‌زنید یا موهایتان را صاف می‌کنید

(۴) وقتی آرام هستید، چگونه می‌نشینید؟

الف. زانوها خم و پاها تقریباً کنار هم، ب. چهارزانو، ج. پای صاف و دراز به بیرون، د. یک پا زیر دیگری خم

(۵) وقتی چیزی واقعاً برای شما جالب است، چگونه واکنش نشان می‌دهید؟

الف. خنده ای بلند که نشان دهد چقدر موضوع جالب بوده، ب. خنده، اما نه بلند، ج. با پوزخند کوچک،

د. لبخند بزرگ، ه. لبخند کوچک

(۶) وقتی وارد یک میهمانی یا جمع می‌شوید؟

الف. با صدای بلند سلام و حرکتی که همه متوجه شما شوند، وارد می‌شوید

ب. با صدای آرامتر سلام می‌کنید و سریع به دنبال شخصی که می‌شناسید، می‌گردید

ج. در حد امکان آرام وارد می‌شوید، سعی می‌کنید به نظر سایرین نیایید

(۷) سخت مشغول کاری هستید، بر آن تمرکز دارید، اما ناگهان دلیلی یا شخصی آن را قطع می‌کند؛

الف. از وقفه ایجاد شده راضی هستید و از آن استقبال می‌کنید ب. بسختی ناراحت می‌شوید

ج. حالتی بینابین این ۲ حالت ایجاد می‌شود

(۸) کدامیک از مجموعه رنگ های زیر را بیشتر دوست دارید؟

الف. قرمز یا نارنجی ب. سیاه ج. زرد یا آبی کمرنگ د. سبز ه. آبی تیره یا ارغوانی و. سفید ز. قهوه ای، خاکستری، بنفش

(۹) وقتی در رختخواب هستید (در شب) در آخرین لحظات پیش از خواب، در چه حالتی دراز می‌کشید؟

الف. به پشت ب. روی شکم (دمر) ج. به پهلو و کمی خم و دایره ای د. سر بر روی یک دست ه. سر زیر پتو یا ملافه...

۱۰) آیا شما غالباً خواب می بینید که:

الف. از جایی می افتید. ب. مشغول جنگ و دعوا هستید. ج. به دنبال کسی یا چیزی هستید. د. پرواز می کنید یا در آب غوطه ورید. ه. اصلاً خواب نمی بینید. و. معمولاً خواب های خوش می بینید.

سؤال اول: الف (۲ امتیاز)، ب (۴ امتیاز)، ج (۶ امتیاز)

سؤال دوم: الف (۶ امتیاز)، ب (۴ امتیاز)، ج (۷ امتیاز)، د (۲ امتیاز)، ه (۱ امتیاز)

سؤال سوم: الف (۴ امتیاز)، ب (۲ امتیاز)، ج (۵ امتیاز)، د (۷ امتیاز)، ه (۶ امتیاز)

سؤال چهارم: الف (۴ امتیاز)، ب (۶ امتیاز)، ج (۲ امتیاز)، د (۱ امتیاز)

سؤال پنجم: الف (۶ امتیاز)، ب (۴ امتیاز)، ج (۳ امتیاز)، د (۵ امتیاز)، ه (۲ امتیاز)

سؤال ششم: الف (۶ امتیاز)، ب (۴ امتیاز)، ج (۲ امتیاز)

سؤال هفتم: الف (۶ امتیاز)، ب (۲ امتیاز)، ج (۴ امتیاز)

سؤال هشتم: الف (۶ امتیاز)، ب (۷ امتیاز)، ج (۵ امتیاز)، د (۴ امتیاز)، ه (۳ امتیاز) و (۲ امتیاز)، ز (۱ امتیاز)

سؤال نهم: الف (۷ امتیاز)، ب (۶ امتیاز)، ج (۴ امتیاز)، د (۲ امتیاز)، ه (۱ امتیاز)

سؤال دهم: الف (۴ امتیاز)، ب (۲ امتیاز)، ج (۳ امتیاز)، د (۵ امتیاز)، ه (۶ امتیاز)، و (۱ امتیاز)

خب، امتیازهایتان را جمع زدید. عدد به دست آمده را با جدول مقابل مقایسه کنید و شخصیت خودتان را بشناسید.

نتیجه گیری

* اگر امتیاز شما بالای ۶۰ است: دیگران در ارتباط و رفتار با شما شدیداً مراقب و هوشیار هستند آنها شما را مغرور، خودمحور و بی نهایت سلطه جو می دانند، گرچه شما را تحسین می کنند و به ظاهر می گویند «کاش من جای تو بودم!!» اما معمولاً به شما اعتماد ندارند و نسبت به ایجاد رابطه ای عمیق و دوستانه بی میل و فراری هستند.

* اگر از ۵۱ تا ۶۰ امتیاز دارید: بدانید دوستان شما را تحریک پذیر می دانند، بدون فکر عمل می کنید و سریع از موضوعات ناخوشایند برآشفته می شوید، علاقه مند به رهبری جمع و تصمیم گیریهای سریع دارید (هرچند اغلب درست از کار در نمی آیند!) دیگران شما را جسور و اهل مخاطره می دانند. کسی که همه چیز را تجربه و امتحان می کند، از ماجراجویی لذت می برد و در مجموع به دلیل ایجاد شرایط و بستر هیجانانگیز توسط شما، از همراهی تان لذت می برند.

* اگر از ۴۱ تا ۵۰ امتیاز به دست آوردید: به خود امیدوار باشید، دیگران شما را بانشاط، سرزنده، سرگرم کننده و جالب و جذاب می بینند. شما دائماً مرکز توجه جمع هستید و از تعادل رفتاری خوبی بهره مند هستید. فردی مهربان، ملاحظه کار و فهمیده به نظر می رسید. قادر هستید به موقع باعث شادی و خوشی دوستانتان شوید و اسباب هلهله و خنده آنها را فراهم کنید و در همان شرایط و در صورت لزوم بهترین کمک بر اعضای گروه هستید.

* اگر ۳۱ تا ۴۰ امتیاز نصیب شما شد: بدانید در نظر سایرین معقول، هوشیار، دقیق، ملاحظه کار و اهل عمل هستید. همه می دانند شما باهوش و با استعداد هستید اما مهمتر از همه فروتن و متواضع هستید. به سرعت و سادگی با دیگران باب دوستی را باز نمی کنید. اما اگر با کسی دوست شوید صادق، باوفا و وظیفه شناس هستید. اما انتظار بازگشت این صداقت و صمیمیت از طرف دوستانتان را دارید گرچه سخت دوست می شوید اما سخت تر دوستی ها را رها می کنید.

* از ۲۱ تا ۳۰ امتیاز: در نظر سایرین فردی زحمت کش هستید اما متأسفانه گاهی اوقات ایرادگیر هستید. شما بسیار بسیار محتاط و بی نهایت ملاحظه کار به نظر می رسید. زحمتکشی که در کمال آرامش و با صرف زمان زیاد در جمع بار دیگران را بردوش می کشد و بدون فکر و براساس تحریک لحظه ای و آنی هرگز نظر نمی دهد. دیگران می دانند شما همیشه تمام جوانب کارها را می سنجید و سپس تصمیم می گیرید.

* و اگر کمتر از ۲۱ امتیاز داشتید: دیگران شما را خجالتی، عصبی و آدمی شکاک و دودل می دانند شخصی که همیشه سایرین به عوض او فکر می کنند، برایش تصمیم می گیرند و از او مراقبت می کنند. کسی که اصلاً تمایل به درگیر شدن در کارهای گروهی و ارتباط با افراد دیگر را ندارد!

برگرفته از سایت دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران